

تأثیرپذیری تعلیمی نزاری قهستانی در دستورنامه از بوستان سعدی

سیدطالب جلالی

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

دکترعباس خیر ابادی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. (نویسنده مسؤول)

دکترحمیدرضا سلیمانیان

استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۱)

چکیده

بوستان سعدی یکی از جامع‌ترین آثار تعلیمی در حوزه ادب فارسی محسوب می‌شود. شاعر در این اثر دنیای آرمانی مبتنی بر اخلاق خود را به تصویر کشیده است. هنرمندی سعدی در تحقق این امر، باعث شد ده‌ها چهره ادبی، آثاری به سبک و سیاق بوستان پدید بیاورند و به تقلید و تتبع از موازین آن بپردازند. در این بین، حکیم نزاری قهستانی آن گونه که خود نیز، اشاره کرده، در دستورنامه تحت تأثیر بوستان سعدی بوده است. یکی از جنبه‌های اصلی تأثیرپذیری، موضوعات اخلاقی و تعلیمی است. از این رو، در مقاله حاضر، به روشی توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، مهم‌ترین وجوه مشترک تعلیمی در دو اثر مذکور، بررسی و کاویده خواهد شد. به نظر می‌رسد نزاری در طرح و شرح مباحث تعلیمی همچون توکل به خدا، مهمان‌نوازی، عفو کردن گناهکاران، بخشندگی و سخاوت، ستایش فروتنی و نکوهش غرور، خلوص نیت، رازداری، احترام به دیگران و نکوهش عیب‌جویی به سعدی عنایت داشته است.

کلیدواژگان: سعدی، بوستان، نزاری قهستانی، دستورنامه، تعلیم و اخلاق.

مقدمه

در حوزه ادبیات تعلیمی فارسی چهره‌های برجسته‌ای ظهور کرده‌اند و با آثاری درخور و شایسته اعتبار و روایی ویژه‌ای به این حوزه بخشیده‌اند. در این بین، سعدی اگر اغراق نباشد، شاخص‌ترین چهره محسوب می‌شود. او در بوستان ریاحین آموزه‌های اخلاقی را به مشام جان مخاطبان خود رسانیده و در این زمینه از بهترین سبک و سیاق و روان‌ترین زبان بهره گرفته است. در این اثر، «تعلیم اخلاقی شیخ، ناظر به تربیت نفوس و اصلاح احوال جامعه است». (زرین‌کوب، ۱۳۹۱: ۷۶) به این اعتبار، «سعدی‌شناسان و دوستداران او، همواره بوستان را در جایگاه یک کتاب اخلاقی و آموزشی نگریسته و آن را جهان مطلوب سعدی دانسته‌اند». (حسن‌بی، ۱۳۸۱: ۱۸) یکی از عوامل اصلی در خلق این منظومه، امنیتی بوده است که در اثر درایت اتابکان سعد در شیراز وجود داشت. در چنین فضای نسبتاً آرامی «سعدی از فضایل اخلاقی و رو به زوال رفتن قفس و کالبد آدمی سخن به میان می‌آورد و بدون شک، اگر سعدی در غیر از شیراز نشو و نما می‌یافت، ادب تعلیمی بازتاب‌یافته در بوستان و گلستان به لونی دیگر بود». (بلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۸۵) تفوق و کامیابی سعدی در اثر مذکور باعث شد تا بسیاری از شاعران و اهالی کوی ادب در فکر پیروی از روش او برآیند و بکوشند اثری هم‌تراز با بوستان خلق کنند. نزاری قهستانی یکی از آن چهره‌هاست. او دستورنامه را بر وزن بوستان سعدی یعنی مفاعیلن مفاعیلن فعولن سروده است. در حوزه محتوا نیز، این تأثیرپذیری به خوبی هویدا است، چنانکه مصفا می‌گوید: «ذهن او از شیوه‌های کلامی و موضوع و مضمون شاعرانی چون سنایی و نظامی و عطار و مولانا و سعدی آکنده است و هر جا مناسب دیده است یا مقهور محفوظ ذهن شده است، این تأثرها آشکار گردیده است ... شیوه گفتار سعدی با صفت سهل ممتنع شگفتی که در بیان شیخ است و تقارن و تقارب معجز‌آسایی که با زبان محاوره دارد، همه‌جا بر کلام نزاری سایه لطیف خود را گسترده داشته است». (نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: مقدمه/۲۵۳) دستورنامه منظومه‌ای تعلیمی است که شاعر در شصت و پنج سالگی سرود. این اثر «پیش مستعدان و ظرفاً قدری دارد»

(دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۱۸: ۲۳۱) و شاعر «در آداب معاشرت منظوم ساخته [است] در بحر بوستان». (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۴۰/۱۷) چنان که ملاحظه می‌شود، دستورنامه در سال‌های پختگی و کمال شخصیتی نزاری سروده شده و شاعر سعی کرده است با طرح و شرح مضامین تعلیمی، هم‌داستان با بوستان سعدی، حاصل تجربه‌های دور و دراز خود را به مخاطبانش انتقال دهد. به این اعتبار، مقاله حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روشی توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ دادن به این سؤال است که مهم‌ترین وجوه تأثیرپذیری تعلیمی نزاری قهستانی در دستورنامه از بوستان سعدی کدام است؟

پیشینه تحقیق :

در پیوند با جنبه‌های تعلیمی بوستان پژوهش‌هایی صورت گرفته است:

گذشتی و اردستانی رستمی (۱۳۸۹)، در مقاله خود با عنوان «سنجش اندرزهای فردوسی در شاهنامه و سعدی در بوستان»، نشان داده‌اند شعر فردوسی نه تنها مورد تقلید حماسه‌سرایان، بلکه معلمان اخلاق، نظیر سعدی نیز، قرار گرفته است. اگر بر آن باشیم که در ادب فارسی، متنی شبیه به شاهنامه را از جهت توجه به پند و اندرز بیابیم، احتمالاً نخستین انتخاب ما بوستان سعدی خواهد بود.

نیکروز و بختیاری (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان «مقایسه اندیشه‌های تربیتی و آموزشی سعدی و جان دیویی» دریافته‌اند که در مواردی چون رغبت در آموزش و پرورش و هدف آموزش و پرورش همانندی‌هایی در نظریات سعدی و دیویی وجود دارد، اما در مواردی مثل روش تدریس، طبیعت کودک، مراحل تربیت، نقش معلم و تربیت دینی عقایدی مخالف هم دیگر دارند.

طهماسبی (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان «مضامین اخلاقی در بوستان و مقایسه آن با نهج‌البلاغه» به این نتیجه رسیده است که سعدی آرمان‌شهر خود را به تأثیر از دستورهای انسان‌ساز اسلام طراحی کرده است که در این بین، قرآن و نهج‌البلاغه کامل‌ترین الگوها بوده‌اند. مهم‌ترین وجوه مشترک مضامین اخلاقی در بوستان و نهج‌البلاغه عبارت است از: اخلاص در عمل، بی‌ارزش‌بودن دنیا، حرص و طمع، خودبینی، شکر و سپاس، ستم، دادگری، قاضی‌بودن انسان، قناعت، نکوکاری و همدردی با یتیمان.

نظری و اسدی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «مقایسه آموزه‌های تعلیمی در شاهنامه فردوسی با بوستان سعدی» به این نتیجه رسیده‌اند که فردوسی در سراسر اثر ارزشمند حماسی خود، از هر فرصتی برای بیان آموزه‌های تعلیمی هم چون خردورزی، نام‌خواهی، دوری از آز، دادگری، رعایت اعتدال و ... استفاده کرده است و دو سده بعد، سعدی با توجه به مقتضیات جامعه ایرانی، با نیم‌نگاهی به شاهکار فرزانه توس، در بوستان به مسائلی چون احسان، تواضع، دادگری، رعایت اعتدال، نام‌خواهی، اغتنام فرصت، نفی آز و ... پرداخته است.

محمدی کله‌سر و ابدالی (۱۳۹۵)، در مقاله خود با عنوان «ساختار روایی بوستان سعدی؛ اخلاقی یا عرفانی؟» نشان داده‌اند که الگوهای روایی غالب در بوستان، همان الگوهای مرسوم در حکایت‌های تعلیمی فارسی، یعنی خطا و پاداش است. در این میان، حکایت‌هایی با مضامین و مؤلفه‌های عرفانی نیز وجود دارد که گاه از الگویی شبیه به الگوهای تأویلی روایت‌گری عرفانی پیروی می‌کند، اما نوع تفسیر و خوانش این نمونه‌ها چنان است که غلبه الگوهای تعلیمی بر روایت‌گری بوستان را نشان می‌دهد.

نوروزی داودخانی (۱۳۹۵)، در مقاله خود با عنوان «بررسی و تحلیل رویکرد سعدی در رهایی انسان از درد و رنج (با تکیه بر قصاید و بوستان)» به این نتیجه رسیده است که سعدی چون روان‌شناسی اجتماعی با تأمل در روح و روان جامعه همواره تلاش می‌کند با برجسته‌سازی امور نیک و طرد کردن

امور بد، پایه‌های جامعه سالم و آرمانی‌اش را بنا نهد. او با ارزشمند دانستن خدمت به خلق بر آن است که اعضای جامعه بویژه حاکمان قدرت را به سوی خدمت‌رسانی به مردم تشویق کند و بدین‌سان بخشی از آلام و دردهای بشری را درمان نماید.

در پیوند با جنبه‌های تعلیمی شعر نزاری پژوهش‌هایی صورت گرفته است:

قادری و رجبی (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «بازتاب مضامین اخلاقی در اشعار نزاری قهستانی (در پرتو آیات و روایات)» به این نتیجه رسیده‌اند که نیکوکاری، عدم مصاحبت با ناهلان، تلاش برای صلح و دوستی، اجتناب از طول‌أمل، قناعت‌ورزی، احتراز از ریاکاری، فقر و درویش‌نوازی، توبه، تهذیب نفس، حس‌نوع‌دوستی، احتراز از دنیا‌دوستی مهم‌ترین آموزه‌هایی هستند که شاعر تحت تأثیر متون اسلامی در شعر خود بازتاب داده است.

ذبیحی و چمن‌آرا (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «بررسی ادب تعلیمی در دستورنامه حکیم نزاری قهستانی» نشان داده‌اند که مهم‌ترین مسائل تربیتی در این اثر عبارت هستند از: پرهیز از مصاحب‌ناجنس، ضرورت حفظ اعتدال در زندگی، رعایت آداب، نگه‌داشتن حدود در گفتار و رفتار و آیین‌باده‌نوشی.

رحیمی و عرب‌پور محمدآبادی (۱۳۹۲)، در جستار خود با عنوان «بررسی و تحلیل برخی آموزه‌های اخلاقی در دیوان حکیم نزاری قهستانی» نشان داده‌اند که موضوعاتی چون تواضع، قناعت، میانه‌روی و حفظ اعتدال، توصیه به فراگیری علم و دنباله‌روی از انبیا و اولیا، بازگشت از بدی‌ها به خوبی‌ها (توبه)، نیکوکاری، امید و ایمان راستین، دعوت به وحدت و دوری از تفرقه، ستایش و شکر، خاموشی و سکوت و حسن خلق (خوش‌رویی و خوش‌خویی) در جهان‌بینی تعلیمی شاعر اهمیت دارد.

زندوکیلی و طبسی (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «جلوه‌هایی از آموزه‌های اخلاقی در ادب‌نامه نزاری قهستانی» به این نتیجه رسیده‌اند که اثر مذکور در بیان چگونگی رفتار وزیران، منشیان و دیگر درباریان در برابر شاه است و در جای‌جای آن می‌توان توصیه‌های اخلاقی را به تماشا نشست. او در این ارتباط همچون سعدی اندرزگو که در آن سال‌ها فردی سالخورده بود، عمل کرده است.

بیکی، نوروزی و بهنام‌فر (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «مضامین اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری»، بیان کرده‌اند بررسی نصایح شاعر حاکی از قدرت بالای او در مردم‌شناسی و درک روحیات زمان خود است. نزاری پس از تشخیص دردهای اجتماع، راهکارهای تعلیمی خود را ارائه داده که عبارت است از: احسان، استغنا و زهد، بخشش، دوری از هوای نفس، تواضع، توبه، توکل، حُسن خُلق، ذکر، شکر، صبر، عدل، عیب‌پوشی، فروبردن خشم، قناعت، وفا به عهد دوستی.

با وجود این تحقیقات، تطبیقی میان رویکردهای تعلیمی دو شاعر و تأثیر و تأثر آن‌ها بر یکدیگر صورت نگرفته که هدف مقاله حاضر تحقق‌بخشیدن به آن است. بدین منظور، دیدگاه‌های تعلیمی مشترک سعدی و نزاری بررسی و مقایسه خواهد شد.

۱- دیدگاه‌های تعلیمی مشابه سعدی و نزاری

۱-۱- توکل به خدا

انسان‌ها از آن‌جایی که موجودی ضعیف هستند، می‌بایست خود را به نیرویی برتر متصل کنند تا بتوانند در مسیر پویایی و رشد گام بردارند. نوع بشر به دلیل محدودیت‌هایی که دارد، همواره نیازمند توسل و توکل به قدرت مطلق است که در فرهنگ ایرانی-اسلامی چنین خصیصه‌ای برای حق تعالی تصور شده است. به این اعتبار، بزرگانی چون سعدی که معلمان اخلاق جامعه هستند، در سروده‌های خود از نقش مثبت خدامحوری در تکامل شخصیت معنوی انسان‌ها سخن گفته‌اند. «سعدی موحدی است مخلص که اعتقادش به وحدانیت خداوند به صفا و نورانیت آراسته است ... و در دیباجه بوستان و در سراسر آن، ابراز این اخلاص لطیف خداپرستانه تار جان آدمی را می‌لرزاند». (همای، ۱۳۷۷: ۱/۱۲۹) بر این پایه، سعدی عقیده دارد که همه باید در برابر حق فرمان‌پذیر باشند و کلام وی را با جان و دل نیوش کنند. خداوندی که پیش از هر چیزی بوده است و پس از هر چیزی خواهد بود. «روح توکلی که سعدی در انسان می‌دمد، تکیه‌گاهی است بزرگ در مصائب حیات». (سعدی، ۱۳۵۹: مقدمه/۲۵) سعدی برجسته‌ترین صفتی را که برای معرفی حضرت دوست در نظر گرفته، رحمت و لطف اوست. نکوکار نیکی‌پسندی که همواره از بندگان خوش‌سیرتش پشتیبانی می‌کند و در تنگناهای زندگی از هیچ حمایتی دریغ نمی‌ورزد. از نظر شاعر، سعادت حقیقی در بخشیده‌شدن بنده از سوی داور راستین است و با زور و زر دنیایی نمی‌توان کاری از پیش برد. از این‌رو، به جوانان که بیشتر از لایه‌های دیگر اجتماعی در معرض غفلت‌ورزی قرار دارند، پند می‌دهد پیش از آنکه قوای جسمی آن‌ها تحلیل برود و دچار رخوت شود، طاعت از حق تعالی را در پیش گیرند و گوی سعادت را در این سنین خطیر برابند:

نه مستغنی از طاعتش پشت کس نه بر حرف او جای انگشت کس

قدیمی نکوکار نیکی‌پسند به کلک قضا در رحم نقش‌بند

(سعدی، ۱۳۸۸: ۱۲)

سعادت به بخشایش داورست نه در چنگ و بازوی زورآورست

(همان: ۱۳۷)

جوانا ره طاعت امروز گیر که فردا جوانی نیاید ز پیر

فراغ دلت هست و نیروی تن چو میدان فراخ‌ست گویی بزن (همان: ۱۹۷)

نزاری هم، مانند سعدی به این مقوله توجه نشان داده است. شاعر «بر این باور است کسانی که به خدا توکل دارند، از مردم بدخواه پروایی ندارند؛ چون درگاه خداوند مانند قلعه‌ای استوار است که عاجزان و خصمان دون پایه را بدان راهی نیست». (بیک، نوروزی و بهنام‌فر، ۱۳۹۲: ۲۰۹۶) نزاری انسان را موجودی ضعیف و نیازمند اتکا به نیرویی برتر می‌داند. در نتیجه از خداوند درخواست می‌کند که سایه نگاه و عنایتش را از روی بندگانش بر ندارد و در پیچ و خم سختی‌ها حامی آن‌ها باشد. نزاری در برابر گناهی که از او سرزده، از حق تعالی پوزش می‌خواهد و درخواست می‌کند مورد لطف الهی قرار گیرد. او خداوند را پناه بی‌پناهان می‌داند و به دستگیری و پایمردی حق در روز مبدا امیدوار است. در مجموع، توصیفاتش که شاعر ارائه کرده است، تبیین‌کننده این موضوع اخلاقی است که انسان باید همواره خود را نیازمند به رحمت الهی بداند و از سرکشی و توسنی دوری گزیند تا به سعادت دست یابد:

عنان عنایت ز ما برمپیچ	که ما جمله هیچیم و کمتر ز هیچ
مرا ای همه تو، ز من دور دار	و گر زلتی رفت، معذور دار
خلاصم ده از ورطه حرص و آرز	مران بر زبانم محال و مجاز
ببخشای بر عجز و بیچارگی	برون آور از خود به یکبارگی
مکن بی‌نصیبم ز فضل عمیم	ز خلقم امان ده به امید و بیم ...
که ام من چه دارم تو داری تویی	الهی پناه نزاری تویی
تویی پایمرد و تویی دستگیر	ببخشای و رحمت کن و درپذیر

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۶۰)

۲-۱- مهمان‌نوازی

نیکو رفتاری با غریبه‌ای که به ما پناه آورده و یا نواختن مهمانی که به دیدار ما آمده است، یکی از بدیهی‌ترین آموزه‌هایی است که در همه فرهنگ‌ها نمود دارد. در میان ایرانیان نیز، مهمان‌نوازی اصلی پذیرفته شده است. در نگاه سعدی، تعریف مهمان مفهومی فراخ دارد و تنها به دوستان و آشنایان محدود نمی‌شود. او کسانی را که از شهرها و کشورهای دیگر به مکانی جدید آمده‌اند، در حکم مهمان می‌داند و مخاطبان خود را به لزوم حظ حرمت این افراد سفارش می‌دهد؛ چرا که آن‌ها می‌توانند نام نیک میزبانان خود را در جهان پراکنده کنند و بر قدر و مرتبت مردمی که از ایشان پذیرایی کرده‌اند، بیفزایند. سعدی که در سروده‌های خود بارها بر مقوله نیک‌نامی تأکید کرده است، مهمان‌نوازی را یکی از راه‌های رسیدن به این فضیلت می‌داند. اهمیت برخورد با مسافران و غریبه‌ها در نظر شاعر به قدری ضرورت دارد که او اضمحلال یا تعالی یک مملکت و مردمش را در گرو نوع برخورد آن‌ها با مهمانان می‌داند. «کسانی

که دانشمند و خواهان نام نیک‌اند، مسافر و تاجر را به جان پرورند و در رفاه حال و راحت و فراغ بال ایشان غایت جهد و سعی را مبذول دارند. باید غریب‌پرور و مهمان‌نواز و سیاح‌دوست بود».

(سعدی، ۱۳۸۴: مقدمه/۲۳) سعدی توصیه می‌کند که حتی مهمان‌فتنه‌انگیز را نیازارند؛ زیرا «در این صورت تجارت رو به نقصان گذارد و ثروت و فراخی معیشت از آن کشور رخت بریندد». (همان: مقدمه/۲۳) در نتیجه، تنها بیرون کردن آن فرد از شهر، راهکاری است که سعدی توصیه می‌کند:

بزرگان مسافر به جان پرورند	که نام نکویی به عالم برند
تبه گردد آن مملکت عن‌قریب	کزو خاطر آزرده آید غریب
غریب‌آشنا باش و سیاح‌دوست	که سیاح جلاب نام نکوست
نکودار ضیف و مسافر عزیز	وز آسیبشان برحذر باش نیز ...
غریبی که پرفتنه باشد سرش	میازار و بیرون کن از کشورش

(سعدی، ۱۳۸۸: ۲۳)

همان‌طور که بیان شد، مهمان‌نوازی یکی از اصلی‌ترین نمودهای فرهنگ باستانی و دینی ایرانیان به شمار می‌رود. بنابراین، بدیهی است که در دستورنامه نزاری همسو با دیدگاه سعدی به این امر توجه شده باشد. شاعر در سفارش‌های خود به فرزندان (در گستره خرد) و خوانندگان (در گستره کلان) نکته‌هایی را در باب شیوه برخورد با مهمان بیان کرده است که دوری‌گزینی از تکلف از آن جمله است. ساده و صمیمی برگزار کردن پذیرایی از مهمان و اسراف نکردن در تهیه خوراک‌های رنگارنگ یکی از توصیه‌های تعلیمی شاعر است. هم‌چنین، اصرار میزبان را در حق مهمان نسبت به تناول خوراک و نوشیدنی نکوهش می‌کند. برای نزاری آنچه که اهمیت دارد، روح مهمان‌نوازی است و او برای تبیین اندیشه خود با زبانی ساده و همه‌کس‌فهم مخاطبان را از گرفتار شدن در ظواهر برحذر می‌دارد:

چو در خانه مهمان بری از پگاه	حجاب تکلف برافکن ز راه
نخست از تر و خشک و شیرین و شور	حدیث سلیمان شنیدی و مور
بنه محضر پیش بی‌عذرخواه	به میل حریفان کن اول نگاه
کسی را که رغبت بود، می‌بده	ابا کرده را لقمه‌ای پیش نه

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۷۳)

۳-۱- عفو کردن گناهکاران

بخش عمده‌ای از توصیه‌های تعلیمی سعدی متوجه شاه و درباریان است؛ زیرا به باور شاعر، زندگی، دارایی، ناموس و ... رعیت در دستان شاه و اطرافیان او بوده است. در نتیجه، بروز هرگونه اشتباهی در تصمیم‌گیری‌ها منجر به خسارات جبران‌ناپذیری می‌شد. یکی از محورهای توصیه‌های سعدی در ارتباط با بخشودن خطای بزهکاران تجلی می‌یابد. او معتقد است اگر سلطان فردی را از مقام و رتبه‌ای عزل کرد، نباید در تعیین مجازات شتاب‌زده عمل کند، چراکه ممکن است گذر زمان حقایق تازه‌ای را نمایان کند که نشان‌دهنده بی‌گناهی فرد معزول است. افزون بر این، سعدی توصیه می‌کند که شاهان در قبال خطاکاران، به جای سیاست کیفردهی، بخشودگی در پیش بگیرند و در صورتی که فرد گناهکار امان خواست، به حاجت او پاسخ مثبت بدهند. بردباری و خویش‌داری در زمان تعیین مجازات و اجرای آن، می‌تواند منجر به برقراری دقیق‌تر عدالت شود. در مجموع، از دید سعدی، «نتیجه تربیت درست ... در گذشتن از خطاها» (خزائلی، ۱۳۵۳: مقدمه/۱۳) است:

نظر کن در احوال زندانیان که ممکن بود بی‌گنه در میان

(سعدی، ۱۳۸۸: ۳۱)

یکی را که معزول کردی ز جاه چو چندی برآید بخشش گناه

(همان: ۲۴)

گناه‌کار را عذر نسیان بنه چو زنه‌ار خواهند زنه‌ار ده

(همان: ۲۵)

بخشیدن در اوج قدرت و اقتدار، آموزه‌ای پسندیده و درخور است که در صورت متخلّق شدن به آن، می‌توان به شخصیتی کمال‌یافته دست یافت. نزاری که به اهمیت این آموزه اخلاقی پی برده است، در شعرهای خود عفو کردن بزهکاران را امری هم‌راستای خردورزی می‌خواند و بخشش دیگران را یکی از مقامات آسایش معرفی می‌کند. «نزاری بخشش را حتی بر کافر نیز، توصیه می‌کند و بخشندگی را در کنار نیک‌نامی ارج می‌نهد». (بیدا و دانش، ۱۳۹۲: ۴۶۲) شاعر میان دو مقوله بخشودگی و بخشندگی ارتباط برقرار کرده است تا به مخاطبان خود نشان دهد که سخاوت تنها در دهش مال و دارایی نیست و می‌تواند شامل درگذشتن از خطای افراد هم شود. در مجموع، دست‌آوردهای معنوی انجام این آموزه، رسیدن به آرامش روانی و بهره‌مندی از فیوضات رحمانی است. عواملی که برای رسیدن آدمی به سعادت دنیایی و اخروی بسنده و کافی به نظر می‌رسد:

پسندیده عقل بخشودن است که بخشوده در بخشش افزودن است

مقامات بخشش، آسایش است که بخشش هم از فیض بخشایش است

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۸۱)

۴-۱- بخشندگی و سخاوت

سعدی این ویژگی اخلاقی را با دو صفت جوان‌مردی و خوش‌خلقی همراه کرده است تا به مخاطبان خود نشان دهد که فرد بخشنده تا چه میزان از بالندگی شخصیتی برخوردار است. «سعدی آزادگی را در ... بخشندگی می‌داند. از این‌رو به حاتم طایی به عنوان نمادی از آزادی و بخشندگی توجهی ویژه دارد». (نظری و اسدی، ۱۳۹۴: ۱۶۸) سعدی اهل سخی را جامع غالب نیکویی‌ها می‌داند و باور دارد عمل آن‌ها با فعل حق تعالی قابل مقایسه است. در این بخش نیز، حضور و بروز نیک‌نامی به چشم می‌خورد. به این معنی که شاعر سخاوت‌پیشگان عالم را در زمره نیک‌نامان آورده است. کسانی که داد و دهش می‌کنند و دیگران را از نعمت‌هایی که در اختیار دارند، بهره‌مند می‌سازند، خوش‌نامان حقیقی هستند، نه کسانی که تنها به داشته‌های مادی و دنیایی خود می‌بالند. ثروت راستین در نظر سعدی از آن انسانی است که می‌بخشد، نه آنکه جمع می‌کند:

جوان‌مرد و خوش‌خوی و بخشنده باش چو حق بر تو باشد، تو بر خلق پاش
نیامد کس اندر جهان کو بماند مگر آن کزو نام نیکو بماند
نمرد آنکه ماند پس از وی به‌جای پل و خانی و خان و مهمان‌سرای
هر آن کو نماند از پس‌اش یادگار درخت وجودش نی‌آورد بار
وگر رفت و آثار خیرش نماند نشاید پس مرگش الحمد خواند (سعدی، ۱۳۸۸: ۲۴)

سعدی بهترین زمان بخشندگی را در زمان حیات فرد می‌داند. اگر پس از مرگ، فرزندان و بازماندگان دارایی‌های او را به نیازمندان واگذار کنند، کارشان آن گونه که باید اعتبار و روایی ندارد. نکته دیگر آنکه، در زمان حیات، اختیار اموال هر کس به دست خود اوست، اما این اختیار پس از مرگ از دست می‌رود و اگر هم فرد خواهان دهش باشد، دیگر توانی برای اعمال خواسته‌اش ندارد. در بخش دیگری، سعدی سخاوت را یکی از نتایج مثبت خردورزی دانسته است؛ زیرا فرد بخشنده با عمل خود هم در دنیا نیک‌نامی خود را تضمین می‌کند و هم، کوله‌باری بایسته برای روز بازپسین فراهم می‌نماید. از سوی دیگر، دون‌همتان و انسان‌های بداندیش تنها به زندگی این‌جهانی خود فکر می‌کنند و بخشندگی را خالی از سود و فایده می‌پندارند:

زر و نعمت اکنون بده کان تُست که بعد از تو بیرون ز فرمان تُست

(همان: ۷۲)

کرم ورزد آن سر که مغزی دروست که دون‌همتانند بی‌مغز و پوست

(همان: ۷۹)

سختی یکی از نشانه‌های انسان‌های آزاده است. کسانی که از مادیات دل کنده‌اند و دارایی خود را وقف تأمین نیاز مستمندان کرده‌اند. نزاری هم، بر انجام این مقوله تعلیمی تأکید ورزیده است. از نظر او، این عمل نیک تنها باید در زمان هوشیاری انجام بگیرد؛ زیرا بخشش در گاه مستی این حس را در بینندگان ایجاد می‌کند که خارج شدن از حالت طبیعی باعث شده است فرد چنین عملی را انجام دهد و «چنین بذل و بخششی را به می منسوب می‌کنند و اجر عمل ضایع می‌ماند» (ذبیحی و چمن‌آرا، ۱۳۹۲: ۳۸۴) و ارزش کار فرد سخی پایین خواهد آمد. نزاری بخشندگان را در زمره پاکیزه‌خویان می‌آورد و توصیه می‌کند که این عمل تنها زمانی صورت بگیرد که فرد بخشنده از لحاظ مالی در وضعیت مناسبی باشد و مطمئن باشد که در صورت بخشیدن قسمتی از دارایی خود، در روند تأمین هزینه‌های زندگی اختلالی ایجاد نمی‌شود:

چو هشیار گشتی ببخش و بده	نگه دار سر و بر سر هم منه
چو دستت دهد پایمردی نکوست	کرم کن، کرم کار پاکیزه‌خوست
وگر تنگ‌دستی ز خرج فراخ	حذر کن مبر شیشه در سنگ‌لاخ ...
کسی کو گهردار باشد چو تیغ	چه نقصانش از بخشش بی‌دریغ
بود راست چون کوزه خرج گر	تهی شد یکی پر شود ده دگر (نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۸۲-۲۸۱)

۵-۱- ستایش فروتنی و نکوهش غرور

سعدی فروتنی را یکی از بایسته‌های اخلاقی فرد عاشق معرفی می‌کند و می‌گوید کسی که خود را هیچ می‌پندارد و از پندارهای خودبینانه دوری می‌گزیند، گام در مسیر روشنایی می‌نهد و به بقای جاودانی می‌رسد. «سراسر بوستان سعدی از فروغ انسانیت و ایثار و جوان‌مردی نورانی است و دلگشا. در این‌جا با اشخاصی روبه‌رو می‌شویم که توانسته‌اند بر خودخواهی خویش فایق آیند و به مطالبی برتر از خود و سود خود بیندیشند». (سعدی، ۱۳۵۹: مقدمه/۳۰) سعدی محبت را چون اکسیری می‌داند که آدمی را متواضع و فروتن می‌کند. در نقطه مقابل، غرور و تفاخر وجود دارد که گوی عافیت را از آدمی می‌رباید و او را در ورطه هلاک و نابودی می‌اندازد؛ زیرا انسانی که به طور ناشایستی متوجه خود باشد، از توجه به حق تعالی بازمی‌ماند و در نتیجه، فرجام راهش به ترکستان هلاک ختم خواهد شد. بر این پایه، از عابدان و دین‌محوران می‌خواهد در میدان شریعت‌گدایی (فروتنی) پیشه کنند و از شاهی (غرور) برحذر باشند؛ چراکه از تسبیح، ذکر و حضور بدون تواضع طرفی حاصل نمی‌شود:

اگر مرد عشقی کم خویش گیر	وگر نه ره عافیت پیش گیر
مترس از محبت که خاکت کند	که باقی شوی گر هلاکت کند

(سعدی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

گدایی ست تسبیح و ذکر و حضور گدا را نباید که باشد غرور

(همان: ۱۸۹)

برای اثبات اهمیت فروتنی در جهان بینی تعلیمی سعدی همین بس که او باب چهارم بوستان را به شرح و تبیین این آموزه اخلاقی اختصاص داده است. از نظر شاعر، آدمی از خاک آفریده شده است. در نتیجه، باید همچون گلی که از آن سرشته شده است، افتادگی پیشه کند، نه آن که همچون ابلیس آتشین طبع، سرکش و جهان سوز باشد و از سوی باری تعالی لعن و طرد شود. از نگاه شاعر، عاقبت آتش علی رغم این که در آغاز به اوج می رود، بر زمین افتادن و برای همیشه خاموش شدن است. سعدی در نکوهش فرد مغرور، از مصاحبان این افراد می خواهد تا وقتی که «خواجه را از خویشتن پُر می بینند»، از هم کلامی با وی پرهیز کنند. بدیهی است که چنین فردی از چشم همگان خواهد افتاد و به شخصیتی منزوی و از خلق جدا افتاده تبدیل خواهد شد:

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
حریص و جهان سوز و سرکش مباش ز خاک آفریدندت آتش مباش
چو گردن کشید آتش هولناک به بیچارگی تن بینداخت خاک

(همان: ۱۱۱)

مریز ای حکیم آستین های دُر چو می بینی از خویشتن خواجه پر
به چشم کسان درنیاید کسی که از خود بزرگی نماید بسی

(همان: ۱۳۴)

غرور که گونه ای از خود بزرگ بینی کاذب است، آثار مخرب فردی و اجتماعی گسترده ای برجای می گذارد. از این رو، می بینیم که نزاری هم بر دوری گزینی از خود بینی و گرایش به فروتنی تأکید ورزیده است. در نقطه مقابل، او «تواضع و فروتنی را مایه بزرگی دانسته ... است». (پیدا و دانش، ۱۳۹۲: ۴۶۱) نزاری با بیان تقابل میان آتش و خاک، آدمی را به اصل و منشأ خود ارجاع می دهد و از وی می خواهد در زندگی هم چون ابلیس آتشین عمل نکند و فرجام کار خود را به تیرگی و ادبار نکشاند. او راه برون رفت از رذیله غرور را «از خود برون آمدن» «نظر در پیش گرفتن» می داند و معتقد است کسانی که چنین می کنند، هرگز در بند حجاب های نفسانی قرار نمی گیرند و سراسر وجودشان سرشار از نور محض الهی می شود. طبق این توضیح، نزاری فروتنی را راهی برای رسیدن به تکامل معنوی و شخصیتی می داند. انسان متواضع جانی زلال و پاک خواهد داشت که از مقوله های جسمانی این جهانی بر حذر است و بستر مناسبی برای هبوط انوار و فیوضات رحمانی خواهد بود. در نقطه مقابل این نگاه، خودرایی و خودپرستی ترسیم شده است که آدمی را به قهقرا فرو می برد:

به فکر و به قول و عمل پاک باش تفاخر به آتش مکن، خاک باش
 گر از خود برون آمدی باک نیست که در بی خودی آتش و خاک نیست
 همه نور محضی همه جان پاک نه آبی نه آتش، نه بادی نه خاک

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۶۱)

نظر پیش گیر و سرافکنده باش به هر کس که پیش آمدت بنده باش

(همان: ۲۷۶)

به خودرایی و خودپرستی مرو که هستی به یک جام مستی گرو

(همان: ۲۷۱)

۶-۱- خلوص نیت

سعدی خلوص درونی را یکی از ویژگی‌های اصلی انسان‌های به کمال رسیده می‌داند و «رمز تکامل روحی آدمی را چونان عارفان صاحب‌دل و روشن‌ضمیر در تهذیب نفس و زدودن زنگارهای درونی و صفای قلب می‌شناسد». (ویکنز، ۱۳۸۵: ۲۱) خلوص نیت در مقوله عبادت نیز، اهمیت ویژه‌ای دارد. به طوری که از نگاه سعدی، عبادت پوسته و اخلاص مغز آن است. با این تمثیل شیرین درمی‌یابیم که میوه بدون مغز روایی و اعتباری ندارد و این مغز است که بدان ارزش می‌بخشد. با این توضیحات، ریاکاری، عاملی منفی در بی‌ارج شدن امور عبادی است. کسانی که از بهر خوش‌آیند خلق، دلق ریا بر تن می‌کنند و زنار بر میان می‌بندند، به واقع هیچ بهره‌ای از عبادات خود نمی‌برند و زیان‌کاران حقیقی خواهند بود. سعدی بر این باور است که هر انسانی باید خود را آن گونه نشان دهد که هست، یعنی بود و نمود او باید یکی باشد. چنین فردی از دید سعدی مرد حقیقی است و ریاکاران که نمود و بودشان تفاوت دارد، مخنثانی بیش نیستند:

عبادت به اخلاص نیت نکوست وگرنه چه آید ز بی‌مغز پوست؟
 چه زنار مغ در میانت چه دلق که درپوشی از بهر پندار خلق
 مکن گفتمت مردی خویش فاش چو مردی نمودی مخنث مباح
 به اندازه بود باید نمود خجالت نبرد آنکه ننمود و بود ...
 اگر کوتاهی پای چوبین مبند که در چشم طفلان نمایی بلند

(سعدی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

سعدی جایگاه معنوی انسان نیکوسیرتی را که ظاهرش عاری از تکلف است، بسی برتر از شخصیت ظاهرالصلاحی می‌داند که چون به خلوت می‌رود، آن کار دیگر می‌کند. بنابراین، سعدی با صراحت کسانی را که به پوسته بیشتر از مغز اهمیت می‌دهند، نکوهش می‌کند و درون‌پروران را بر بیرون‌پرستان برتری می‌دهد و در تأیید باور خود، شبرو راهزن را بهتر از فاسق پارساپیرهن معرفی می‌کند. این رویکرد سعدی به معنای تأیید راهزنی نیست، بلکه او می‌خواهد با این مقایسه، تفاوت میان فاسد و افسد را به مخاطبان خود نشان دهد و این مقوله را تبیین کند که زیان‌آوری ریاکاران ظاهرالصلاح بسیار بیشتر از کسانی است که به گناه و بزه شهره‌اند:

نکوسیرت بی‌تکلف‌برون به از نیک‌نام خراب‌اندرون
به نزدیک من شبرو راهزن به از فاسق پارساپیرهن

(همان: ۱۸۷)

نزاری همچون سعدی، خلوص نیت را یکی از بایسته‌های اخلاقی می‌داند و به مخاطبان خود توصیه می‌کند نقاب دورویی را از پیش دیدگان جان خود بردارند و در زندگی یک‌رنگ رفتار کنند. در این صورت، افق‌های تازه‌ای برای فرد خالص نمایان می‌شود و او خود را در دنیایی سرشار از موازین معرفتی جدید حس خواهد کرد که تا پیش از این، برای او ناپیدا بود، اما اگر این نقاب هم چنان بر وجودش سایه بیفکند، از چهارچوب دنیای مادی پای فراتر نخواهد گذاشت و از حد حیات بهیمی فراتر نمی‌رود. نزاری متخلّق بودن به خلوص نیت را عاملی مهم در برآمدن روشنایی‌ها و بررفتن تاریکی‌ها می‌داند و باور دارد چنین فردی در سدره‌المنتهی که جایگاه مقدس و مورد احترام مسلمانان است، جای خواهد گرفت:

من و تو غمامیم و نفس آفتاب تو از پیش باری برافکن نقاب
بین تا چه بینی به چشم عیان اگر تو نباشی ولی در میان
همه نفس باشی نباشی غمام همه نور بینی، نبینی ظلام
چو از خویشتن بازپرداختی مکان سدره‌المنتهی ساختی

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۶۱)

۷-۱- رازداری

سعدی سخن را برتر از گوهر ذی‌قیمت می‌داند که باید در حفظ و نگهداری آن کوشا بود. کسی که در این امر، کوتاهی و قصور کند، با خسارت‌های جبران‌ناپذیری روبه‌رو خواهد شد. او معتقد است اگر گوهر برای در امان ماندن از سرقت به گنجینه‌دار سپرده می‌شود، ولی برای حفظ و نگهداری راز، تنها منبع موثق صاحب همان راز است. سخن تا زمانی که در دل محبوس باشد، مطیع ماست و بر آن مسلط

هستیم، اما هنگامی که بر زبان جاری شد و به سمع دیگری رسید، ما بنده و مطیع سخن خواهیم شد. به این اعتبار، سعدی به مخاطبان خود توصیه می‌کند که هرگز نه‌نبن از سر چاه دل برنگیرند و راز خود را فاش نکنند؛ زیرا برگشتنی در کار خواهد بود. اهمیت این مقوله زمانی بیشتر عیان می‌شود که بدانیم افشای راز ممکن است جان صاحب راز را به خطر بیندازد :

جواهر به گنجینه‌داران سپار ولی راز را خویشتن پاس دار
سخن تا نگویی برو دست هست چو گفته شود، یابد او بر تو دست
سخن دیوبندست در چاه دل به بالای کام و زبانش مهمل
تو دانی که چون دیو رفت از قفس نیاید بلاحول کس بازپس

(سعدی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

رازداری در جهان‌بینی تعلیمی نزاری به قدری اهمیت دارد که او این خصیصه را مهم‌ترین صفت یک دوست و امین نیکو برمی‌شمرد. از نظر شاعر، اگر انسان صدها یار و هم دم داشته باشد، کسی که رازدار و امین باشد، نسبت به دیگران برتر و ارجح است. چنین هم نشینی از همه آرایش‌های دنیایی و شرک‌ها و نفاق‌ها دور است و در اثر مصاحبت با آن، می‌توان به بالندگی و تعالی معنوی رسید:

اگر صد حریفت بود همنشین یکی رازدارت ببايد امین
زده امتحانش چو زیر محک شده پاک از آرایش شرک و شک

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۷۸)

۸-۱- احترام به دیگران

سعدی بر کرنش در حق قدیمان تأکید ویژه‌ای دارد و معتقد است کسی که به خوبی پرورش یافته باشد، هرگز از این اصل عدول نمی‌کند. افزودن بر قدر و اعتبار بزرگان وظیفه‌ای است که دیگران باید به عنوان یک فریضه به انجامش پایبند باشند :

قدیمان خود را بیفزای قدر که هرگز نیاید ز پرورده غدر
چو خدمت‌گزاریت گردد کهن حق سالیانش فراموش مکن

(سعدی، ۱۳۸۸: ۲۳)

نزاری معتقد است که باید با دوستان و پیرامونیان برخوردی همراه با شفقت و مهربانی داشت؛ زیرا در این صورت است که می‌توان آن‌ها را به عنوان یاران و حامیان خود حفظ کرد. تندخویی و بی‌احترامی در حق دیگران، موجب سامت و دلزدگی و در نتیجه، دوری آن‌ها خواهد شد. شاعر که به

اهمیت و روایی این موضوع پی برده است، به مخاطبان خود توصیه می‌کند با «لطف عمیم» و «لفظ شریف»، حد حرمت اطرافیان را نگه دارند :

به لطف عمیم و به لفظ شریف نکه دار حد ندیم و حریف

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۶۹)

۹-۱- نکوهش عیب‌جویی

سعدی عیب‌پوشی را امری خردمندانه و عیب‌جویی را عملی جاهلانه می‌داند و به مخاطبان خود توصیه می‌کند برای دوری‌گزینی از این رذیله اخلاقی، تنها سرگرم پیدا کردن و اصلاح کاستی‌های رفتاری خود باشند. در این صورت، عیوب دیگران از یادشان خواهد رفت. سعدی معتقد است بدگویی از اغیار، حتی اگر مبنایی درست داشته باشد، باز هم عملی شایسته نیست و تنها فرومایگان چنین رفتار می‌کنند. سعدی دو چشم را ابزاری برای دیدن آفرینش باری تعالی و تعمق در چپستی و چرایی می‌داند، نه آنکه همواره در پی دیدن و بازگو کردن نقصان و کاستی‌های اخلاقی دیگران باشد. دلیل اصلی تأکید سعدی بر رعایت آموزه عیب‌پوشی از آن‌روست که فرد متخلق به این رذیله آن‌گونه که باید نمی‌تواند کم و کاستی‌های خود را تشخیص دهد و در جهت اصلاح آن گام بردارد. در نتیجه، از رسیدن به قله‌های کمال و معرفت بازمی‌ماند :

مکن عیب خلق ای خردمند فاش به عیب خود از خلق مشغول باش

(سعدی، ۱۳۸۸: ۱۶۱)

به بدگفتن خلق چون دم زدی اگر راست گویی سخن هم بدی

(همان: ۱۶۴)

منه عیب خلق ای فرومایه پیش که چشمت فرودوزد از عیب خویش

(همان: ۱۷۸)

دو چشم از پی صنع باری نکوست ز عیب برادر فروگیر و دوست

(همان: ۱۸۴)

نزاری هم، بیان عیب و نقص دیگران را نکوهش کرده است. از دید او، کسانی که چنین می‌کنند در زمره لاف‌زنان و ملامت‌گویان هستند. شاعر با چنین توصیفی قصد دارد مخاطبان عوام و خواص خود را نسبت به عواقب منفی متخلق شدن به این ویژگی منفی اخلاقی آگاه کند و به آن‌ها هشدار دهد که بیان عیب این و آن مانعی بزرگ در رسیدن به شخصیتی کمال‌یافته است؛ زیرا عیب‌جویان همواره سرگرم پیدا کردن نقص دیگران هستند و زمانی برای یافتن و اصلاح کردن نقاط ضعف خودشان ندارند. نزاری به قدری بر دروی‌گزیدن از این رذیله تأکید دارد که می‌گوید عیب مستان و باده‌نوشان را هم، نباید بازگو کرد، چه برسد به مردم دیگر :

مزن لاف و گرد ملامت می‌پوی بد و نیک مستان می‌اور به روی

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۷۶)

نتیجه

پرداختن به مقوله‌های تعلیمی بخش عمده‌ای از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد که در این بین، سعدی با اثر نامی‌اش، بوستان سهمی مهم دارد. او معلم اخلاق و مصلح جامعه است. از این‌رو، همواره می‌کوشد از تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی سخن بگوید. هنرمندی سعدی در بوستان بسیاری از شاعران را بر آن داشت تا اثری به تقلید و تتبع از اثرش پدید بیاورند که دستورنامه نزاری قهستانی از آن جمله است. بررسی دو منظومه نشان از آن دارد که نزاری افزون بر مقوله‌های ساختاری در مقوله‌های محتوایی و به ویژه تعلیم و تربیت نیز، به بوستان عنایت داشته است که مهم‌ترین وجوه مشترک آن عبارت است از: توکل به خدا، مهمان‌نوازی، عفو کردن گناهکاران، بخشندگی و سخاوت، ستایش فروتنی و نکوهش، غرور، خلوص نیت، رازداری، احترام به دیگران و نکوهش. دو شاعر بر آن بوده‌اند تا با شرح و تبیین موازین اخلاقی در ابتدا زمینه‌های لازم را برای اصلاح افراد و در گام بعدی، جامعه بردارند.

کتابنامه

- ۱- امامی، محمدعلی، (۱۳۷۷)، «سعدی، آموزگار قرن»، ارائه شده در مجموعه مقالات ذکر جمیل سعدی، گردآوری از کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۴۶-۱۲۵.
- ۲- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد، (۱۳۸۹)، «عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین»، به تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخراحمد، تهران: میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۳- بیکی، شکرالله و نوروزی، زینب و بهنام‌فر، محمد، (۱۳۹۲)، «مضامین اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری»، مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، صص ۲۱۱۵-۲۰۸۸.
- ۴- پیدا، نورالدین و دانش، خدیجه، (۱۳۹۲)، «بررسی جلوه‌های فرهنگی و اخلاقی در سفرنامه منظوم نزاری قهستانی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، صص ۴۷۲-۴۵۵.
- ۵- حسن‌لی، کاووس، (۱۳۸۱)، شیرین‌تر از قند؛ بازنویسی و تلخیص بوستان سعدی، چاپ اول، تهران: اهل قلم.
- ۶- خزانلی، محمد، (۱۳۵۳)، شرح بوستان، چاپ دوم، تهران: جاویدان.
- ۷- دولت‌شاه سمرقندی، علاءالدوله بختیشاه غازی، (۱۳۱۸)، تذکره‌الشعرا، تصحیح ادوارد براون، لیدن.
- ۸- ذبیحی، رحمان و چمن‌آرا، فاطمه، (۱۳۹۲)، «بررسی ادب تعلیمی در دستورنامه حکیم نزاری قهستانی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، صص ۳۸۹-۳۷۴.
- ۹- رجبی، مسلم و قادری، فائزه و رجبی، علی، (۱۳۹۲)، «بازتاب مضامین اخلاقی در اشعار نزاری قهستانی (در پرتو آیات و روایات)»، مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، صص ۳۴۷-۳۳۲.

- ۱۰- رحیمی، مهدی و عرب‌پور محمدآبادی، علی، (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل برخی آموزه‌های اخلاقی در دیوان حکیم نزاری قهستانی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، صص ۶۳۲-۶۱۹.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، *سخن خوش سعدی*، چاپ پنجم، تهران: سخن.
- ۱۲- زندوکیلی، ملیحه و طبسی، حمید، (۱۳۹۲)، «جلوه‌هایی از آموزه‌های اخلاقی در ادب-نامه نزاری قهستانی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، صص ۱۱۷۸-۱۱۶۴.
- ۱۳- سعدی، شرف‌الدین مصلح بن عبدالله، (۱۳۵۹)، *بوستان سعدی (سعدی‌نامه)*، تصحیح و توضیح دکتر غلام‌حسین یوسفی، چاپ اول، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.
- ۱۴- _____، (۱۳۸۴)، *بوستان (سعدی‌نامه)*، به تصحیح استاد عبدالعظیم قریب و دکتر یحیی قریب، تصحیح و تطبیق متن از آزاده فهیم‌هاشمی، چاپ اول، تهران: روزبهان.
- ۱۵- _____، (۱۳۸۸)، *بوستان*، بر اساس نسخه تصحیح‌شده محمدعلی فروغی، چاپ سوم، تهران: مهرآمین.
- ۱۶- طهماسبی، فریدون، (۱۳۹۱)، «مضامین اخلاقی در بوستان و مقایسه آن با نهج-البلاغه»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۲۱۸-۱۸۹.
- ۱۷- گذشتی، ممدعلی و اردستانی رستمی، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، «دو خورشید در یک آسمان؛ سنجش اندرزهای فردوسی در شاهنامه و سعدی در بوستان»، مجله مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، شماره ۲۰، صص ۴۳-۱۱.
- ۱۸- نزاری قهستانی، (۱۳۷۱)، *دیوان*، به جمع و تدوین و مقابله و تصحیح و تحشیه و تعلیق و دیباچه مظاهر مصفا، چاپ اول، تهران: علمی.
- ۱۹- نظری، نجمه و اسدی، آذر، (۱۳۹۴)، «مقایسه آموزه‌های تعلیمی در شاهنامه فردوسی با بوستان سعدی»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۸۰-۱۵۷.
- ۲۰- نوروزی داودخانی، ثوراله، (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل رویکرد سعدی در رهایی انسان از درد و رنج (با تکیه بر قصاید و بوستان)»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱۷۰-۱۵۳.

۲۱- نیکروز، یوسف و بختیاری، تهمینه، (۱۳۹۱)، «مقایسه اندیشه‌های تربیتی و آموزشی سعدی و جان دیویی»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره ۶، صص ۲۸۹-۳۱۵.

۲۲- ویکنز، جی.ام، (۱۳۸۵)، مقدمه بوستان سعدی، ترجمه محمود کریمی، تهران: قلم.

۲۳- یلمه‌ها، احمدرضا، (۱۳۹۵)، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۹۰-۶۱.